Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 15, No. 4, Winter 2025-2026, 91-122
DOI: 10.21859/priw-150405

The Horn of Africa; the Silent Battlefield; Examining the Role of Regional and International Powers in the Geopolitical Crises of Ethiopia and Sudan

Majid Rasouli[1], Abazar Binaian[2]

Date of Received: 2026/02/09 **Date of Acceptance**: 2026/04/23

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

Abstract

The Horn of Africa has been defined as a focal point for the convergence of interests between regional powers (Egypt, the UAE, Saudi Arabia) and international actors (Russia and the West). The ongoing crisis in Sudan, characterized by civil war and the collapse of state institutions, poses a serious threat to Ethiopia's regional stability in terms of border security (Fashqa) and management of vital resources (Grand Renaissance Dam).This article aims to analyze the complex geopolitical dynamics prevailing in the Horn of Africa, with a special focus on the geopolitical crises of Sudan and Ethiopia, and seeks to answer the question of what is the role of regional and international powers in the geopolitical crises of Ethiopia and Sudan, and what is the proposed solution to overcome this crisis?This article uses a descriptive-analytical method to achieve this goal. Therefore, the findings of the study show that external interventions have transformed internal conflicts into a geopolitical proxy competition. Meanwhile, Russia, while focusing on its strategic role, relying

1. Assistant Professor, Department of Geopolitics, Center for African Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) m.rasouli@modares.ac.ir

2. PhD in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Binaeian9@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

on military and historical relations with Ethiopia and pursuing the goals of maritime access in the Red Sea, indirectly benefits from Sudan's instability in order to advance its grand agenda of reducing Western influence.The research results show that until a regional security consensus is achieved, which limits external interventions within transparent and accountable frameworks, the Horn of Africa will remain in a state of strategic instability and will face structural obstacles to resolving fundamental conflicts.

Keywords: Geopolitics, regional and international power competition, Horn of Africa, Sudan and Ethiopia.

revolution in 1917, in addition to examining the results of the Russian Tsars' approach.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴، صص ۱۲۲ – ۹۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۴۰۵

شاخ آفریقا؛ میدان نبرد خاموش، بررسی نقش قدرت های منطقه‌ای و بین‌المللی در بحران‌های ژئوپلیتیکی اتیوپی و سودان

مجید رسولی[۱]
اباذر بینائیان[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳

چکیده

شاخ آفریقا به‌مثابه کانون تلاقی منافع قدرت‌های منطقه‌ای (امارات، عربستان سعودی) و بازیگران بین‌المللی (شرق روسیه و چین و غرب ایالات‌متحده آمریکا) تعریف شده است. به‌گونه‌ای که بحران سال ۲۰۲۱ تاکنون سودان، که مشخصه آن جنگ داخلی و فروپاشی نهادهای دولتی است، ثبات منطقه‌ای اتیوپی را از منظر امنیت مرزی (الفشقه) و مدیریت منابع حیاتی (سد النهضه) به‌شدت تهدید می‌کند. این مقاله با هدف واکاوی پویایی‌های پیچیده ژئوپلیتیکی حاکم بر شاخ آفریقا و با تمرکز ویژه بر بحران‌های ژئوپلیتیکی سودان و اتیوپی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که نقش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در بحران‌های ژئوپلیتیکی اتیوپی و سودان چیست؟ این مقاله در راستای دستیابی به این هدف از روش توصیفی- تحلیلی بهره گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بازیگران خارجی از طریق استراتژی‌های متنوعی اهداف ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود را در سودان و منطقه شاخ آفریقا پیگیری می‌کنند. به‌عنوان مثال، روسیه با اتکای به واقع‌گرایی ساختاری از نیروهای نیابتی مانند واگنر برای نفوذ در دریای سرخ و فروش تسلیحات استفاده می‌کند، در حالی که چین با رویکرد نئوامپریالیسم اقتصادی، بر حفظ سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی خود از طریق دیپلماسی محتاطانه در سازمان ملل تمرکز دارد. در نقطه مقابل، ایالات‌متحده با انگیزه‌های لیبرال نهادی، بر فشار دیپلماتیک و تحریم برای مقابله با نفوذ رقبای خود تأکید دارد. همچنین، قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و امارات، با تکیه بر واقع‌گرایی منطقه‌ای، از طریق حمایت‌های مالی و نظامی گسترده از جناح‌های نظامی سودان و ائتلاف‌سازی با مصر (برای امنیت آب نیل)، به دنبال ممانعت از ظهور رقبای ژئوپلیتیکی و تضمین منافع خود در امنیت دریایی و مدیریت منابع آبی حیاتی مانند سد GERD هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تا زمان دستیابی به یک اجماع امنیتی منطقه‌ای، که مداخلات خارجی را در چارچوب‌های شفاف و پاسخگو محدود سازد، شاخ آفریقا در وضعیت ناپایداری استراتژیک باقی خواهد ماند و حل و فصل منازعات اساسی را با موانع ساختاری روبرو خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، شاخ آفریقا، سودان و اتیوپی

۱. استادیار، گروه ژئوپلیتیک مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، ایران، تهران. (نویسنده مسئول)
m.rasouli@modares.ac.ir

۲. دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران، تهران. Binaeian9@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مقدمه

شاخ آفریقا، به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد خود در مجاورت دریای سرخ، خلیج عدن و آب‌های اقیانوس هند، همواره یک نقطه حساس در معادلات قدرت جهانی و منطقه‌ای بوده است. در سال‌های اخیر، کانون اصلی بی‌ثباتی در این منطقه، به‌طور فزاینده‌ای بر رقابت‌های استراتژیک میان دو کشور محوری، یعنی سودان و اتیوپی متمرکز شده است. این رقابت نه‌تنها بر محوریت منابع آبی مشترک رود نیل و مدیریت سد النهضه شکل گرفته، بلکه عمیقاً با تنش‌های مرزی دیرینه، به‌ویژه در منطقه مورد مناقشه الفشقه، درهم‌آمیخته است. اتیوپی و سودان، هر دو در بحبوحه گذارهای سیاسی مورد مناقشه، با تنش‌های فرامرزی بر سر مجموعه‌ای از مسائل دست و پنجه نرم می‌کنند که این دو قدرت منطقه‌ای را به‌طور فزاینده‌ای در مقابل یکدیگر قرار داده است. در حالی که تعاملات دیپلماتیک سطح بالای اخیر بین دو کشور تا حدودی اوضاع را آرام کرده است، تنش‌های دوجانبه مداوم نه‌تنها بر مسیر گذارهای سیاسی هر کشور تأثیر می‌گذارد، بلکه تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه‌ای گسترده‌تر نیز محسوب می‌شود. آنچه این منازعه را از یک اختلاف محلی فراتر می‌برد و ماهیت آن را به یک «میدان نبرد خاموش» ارتقا می‌دهد، ورود گسترده و هدفمند بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به عرصه است. این بازیگران خارجی، از طریق ارائه حمایت‌های اقتصادی، نظامی و نفوذ دیپلماتیک، به‌جای ایفای نقش میانجی صلح، به تقویت و تغذیه سویه‌های متخاصم در این رقابت پرداخته‌اند. کشورهایی مانند مصر، امارات متحده عربی، و قدرت‌های جهانی چین و روسیه، هر یک با اهداف استراتژیک مشخص (تضمین دسترسی به نیل، کنترل مسیرهای دریایی، یا نفوذ ژئوپلیتیک در یک منطقه با ثبات شکننده) در این معادله دخالت کرده‌اند. این دخالت‌ها، تعادل شکننده قدرت را مخدوش ساخته و پتانسیل تبدیل اختلافات آبی و مرزی را به درگیری‌های تمام‌عیار منطقه‌ای افزایش داده است. این پژوهش با اتخاذ رویکردی تحلیلی- ژئوپلیتیک، درصدد است تا چارچوبی جامع برای فهم این پویایی چندلایه ارائه دهد. ما ادعا می‌کنیم که تداوم این بحران، نه صرفاً ناشی از ناسازگاری‌های داخلی سودان و اتیوپی، بلکه محصول یک مدل رقابت نیابتی است که توسط بازیگران خارجی برای اهداف خاص خود طراحی و مدیریت می‌شود. درک چگونگی این تشدید هدفمند بحران‌ها، کلید اصلی برای ارائه راهکارهای پایدار امنیتی و مدیریت منابع در شاخ آفریقا بود.

پیشینه پژوهش

تحولات ژئوپلیتیکی شاخ آفریقا در دهه‌های اخیر توجه گسترده پژوهشگران روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

سیاسی و مطالعات امنیت منطقه‌ای را به خود جلب کرده است. بخش قابل‌توجهی از این مطالعات، این منطقه را به‌مثابه یک فضای رقابتی میان قدرت‌های منطقه‌ای و بازیگران فرامنطقه‌ای تحلیل کرده‌اند که در آن منازعات داخلی کشورهای ضعیف، به عرصه‌ای برای رقابت نیابتی تبدیل شده است.

در سطح بین‌المللی، کلوتی[1] (۲۰۱۹) شاخ آفریقا را یکی از کانون‌های اصلی بازتوزیع قدرت در نظام جهانی پساجنگ سرد می‌داند که ورود چین، روسیه و کشورهای عربی به آن، موازنه سنتی نفوذ غرب را به چالش کشیده است. وی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی چین و حضور امنیتی روسیه در بنادر دریای سرخ، بیش از آنکه اقتصادی صرف باشد، اهداف ژئوپلیتیکی بلندمدت را دنبال می‌کند. در همین راستا، ورنیه و ابراهیم[2] (۲۰۲۰) استدلال می‌کنند که بحران‌های داخلی سودان و سومالی به «فرصت‌های نفوذ راهبردی» برای قدرت‌های خارجی تبدیل شده‌اند که از طریق حمایت مالی و نظامی از بازیگران محلی، نفوذ خود را تثبیت می‌کنند.

در خصوص بحران سودان، پژوهش دیگری (De Waal, ۲۰۲۱) نشان می‌دهد که جنگ داخلی این کشور نه‌تنها ریشه در شکاف‌های نهادی دارد، بلکه به‌شدت تحت تأثیر مداخلات امارات، عربستان سعودی و مصر قرار گرفته است. وی تأکید می‌کند که این کشورها با حمایت از نیروهای نظامی سودان، به دنبال کنترل مسیرهای تجاری دریای سرخ و جلوگیری از نفوذ رقبای منطقه‌ای هستند. همچنین براون[3] (۲۰۲۲) نقش روسیه و گروه واگنر را در بهره‌برداری از معادن طلا و ایجاد پایگاه‌های بالقوه دریایی در سودان بررسی کرده و آن را بخشی از استراتژی قدرت‌سازی مسکو در آفریقا تفسیر می‌کند.

در ارتباط با اتیوپی و سد النهضه، مطالعات متعددی به ابعاد ژئوپلیتیکی این پروژه پرداخته‌اند. سلمان[4] (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که GERD صرفاً یک پروژه توسعه‌ای نیست، بلکه ابزاری برای بازتعریف موازنه قدرت در حوضه نیل محسوب می‌شود. هیل[5] (۲۰۱۹) نیز استدلال می‌کند که مقاومت اتیوپی در برابر فشارهای مصر و سودان، بازتاب منطق واقع‌گرایی ساختاری و تلاش برای افزایش قدرت نسبی در یک محیط آنارشیک منطقه‌ای است. از سوی دیگر، رولان[6] (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که قدرت‌های خارجی با جانب‌داری دیپلماتیک و اقتصادی از طرف‌های مختلف، منازعه آبی نیل را به یک بحران ژئوپلیتیکی چندلایه تبدیل کرده‌اند.

1. Clottey, 2019
2. Vernier & Ibrahim, 2020
3. Brown, 2022
4. Salman, 2020
5. Hill, 2019
6. Roland, 2021

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

در سطح منطقه‌ای، پژوهش‌های فاولر[1] (۲۰۲۰) و مابری (۲۰۲۲) بر نقش امارات متحده عربی در ایجاد شبکه‌ای از پایگاه‌های بندری و نفوذ نظامی در شاخ آفریقا تأکید دارند. این مطالعات نشان می‌دهد که ابوظبی از سودان، اریتره و سومالی به‌عنوان حلقه‌های امنیت دریایی برای کنترل مسیرهای انرژی و تجارت جهانی استفاده می‌کند. در مقابل، عربستان سعودی تمرکز خود را بر ثبات امنیتی دریای سرخ و جلوگیری از نفوذ ایران و ترکیه معطوف ساخته است.

با وجود گسترش این ادبیات، اغلب پژوهش‌ها یا به صورت جداگانه به بحران سودان یا سد النهضه پرداخته‌اند، یا تمرکز خود را صرفاً بر یک بازیگر خارجی محدود کرده‌اند. کمتر مطالعه‌ای به صورت یکپارچه، پیوند میان بحران داخلی سودان، منازعه ژئوپلیتیکی اتیوپی و رقابت هم‌زمان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را در قالب یک الگوی رقابت نیابتی چندسطحی تحلیل کرده است. افزون بر این، بسیاری از پژوهش‌ها فاقد چارچوب نظری منسجم مبتنی بر واقع‌گرایی ساختاری برای تبیین رفتار بازیگران هستند بر این اساس، پژوهش حاضر با تلفیق تحلیل ژئوپلیتیکی بحران‌های سودان و اتیوپی و تبیین نقش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در چارچوب واقع‌گرایی ساختاری، می‌کوشد خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را پوشش داده و فهم جامع‌تری از پویایی‌های قدرت در شاخ آفریقا ارائه دهد.

چارچوب نظری

بحران ژئوپلیتیکی

بحران‌های ژئوپلیتیکی به‌عنوان منازعاتی ریشه‌دار در جغرافیا و سیاست تعریف می‌شوند که موجودیت یک کشور را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌دهند، برخلاف بحران‌های صرفاً بین‌المللی یا اقتصادی که چنین تهدیدی را ندارند. این بحران‌ها ماهیتی فضایی-سیاسی دارند و از کشمکش بازیگران مختلف (دولت‌ها و گروه‌های سیاسی) بر سر کنترل و تصرف «ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی» ناشی می‌شوند. در این بستر، پارادایم واقع‌گرایی که از دهه ۱۹۴۰ به‌عنوان چارچوب غالب در روابط بین‌الملل باقی مانده است، ابزار تحلیلی مهمی را فراهم می‌آورد.

هانز مورگنتا، به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان کلیدی، بر این باور بود که سیاست جهانی بر اساس قوانین عینی مبتنی بر منافع ملی و قدرت مدیریت می‌شود، نه انگیزه‌های روان‌شناختی مورگنتا سیاست قدرت را محور روابط بین‌الملل می‌دانست و بیان می‌کرد که «دولتمردان در چارچوب منافع خود که به‌مثابه قدرت

1. Fowler, 2020; Mabry, 2022

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

تعریف می‌شود، فکر و عمل می‌کنند». از منظر واقع‌گرایی، مفهوم کلیدی در ایجاد ثبات، موازنه قدرت است. مورگنتا تأکید می‌کند که هرچند موازنه قدرت می‌تواند «ثبات عاریتی» موقتی ایجاد کند، این ثبات همواره در خطر فروپاشی است و نیاز به بازسازی مداوم دارد؛ با این حال، این تنها شکلی از ثبات است که در الگوی مبتنی بر قدرت قابل حصول است. این تأکید بر رقابت برای قدرت و منابع است که ماهیت بحران‌های ژئوپلیتیک را مشخص می‌سازد. به‌طور خلاصه، بحران ژئوپلیتیک وضعیتی است که در آن منابع جغرافیایی قدرت، مبنای اصلی منازعه، کشمکش و رقابت بین بازیگران در سطوح مختلف (فرو ملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) قرار می‌گیرد. این وضعیت زمانی تشدید می‌شود که بازیگران بر سر مالکیت یا کنترل یک یا چند منبع جغرافیایی قدرت با یکدیگر وارد رقابت مستقیم شوند. بنابراین، تحلیل این بحران‌ها نیازمند درک این رقابت برای منابع فضایی قدرت است که توسط چارچوب‌های نظری مانند واقع‌گرایی قدرت‌محور تبیین می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

واقع‌گرایی ساختاری

نظریه واقع‌گرایی، که تاریخچه‌ای غنی با رویکردهای مختلفی همچون سنتی، نئوکلاسیک و نهادگرایی دارد، همواره چارچوب غالب در تحلیل سیاست بین‌الملل بوده است (Copeland, 1999:187). در این میان، نئورئالیسم یا واقع‌گرایی ساختاری، که توسط کنت والتز معرفی شد، تلاشی علمی برای بازتعریف این نظریه بود تا از اتهامات سنت‌گرایی و توجه ناکافی به مسائل اقتصادی مبرا گردد. والتز (۱۹۷۹) استدلال می‌کند که شباهت در رفتار دولت‌ها، با وجود تفاوت‌های ایدئولوژیک، ناشی از محدودیت‌های تحمیلی ساختار نظام بین‌الملل و توزیع قابلیت‌ها (قدرت) در سطح سیستمی است؛ این رویکرد، تحلیل سطح دولت را نقد کرده و بر ساختار حاکم بر روابط بین‌الملل تأکید می‌کند (Baylis et al., 2013: 23) هسته اصلی این نظریه در تقلیل‌گرایی و تأکید بر نقش ساختار آنارشی جهانی در سوق دادن دولت‌ها به سوی خودیاری و رقابت برای قدرت نسبی نهفته است (Wichlawski, 2011: 58).

تحلیل منازعات منطقه‌ای مانند شاخ آفریقا نشان می‌دهد که اصول نئورئالیسم چگونه بر منازعاتی که منابع حیاتی در کانون آن‌ها قرار دارند، حاکم است. در قضیه سد النهضه، اتیوپی، سد را به‌عنوان ابزاری برای ارتقاء «قابلیت» خود در برابر محدودیت‌های ساختاری اعمال‌شده توسط مصر و سودان می‌بینند. ازاین‌رو، همه بازیگران برای حفظ بقای خویش، به‌جای همکاری، به تقویت قدرت نظامی و دیپلماتیک روی می‌آورند. به‌طور مشابه، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای در جنگ داخلی سودان، نه از سر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ایدئولوژی، بلکه تلاشی ساختاری برای تأثیرگذاری بر توزیع قدرت منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ رقیب در نقاط استراتژیک (مانند دریای سرخ) تفسیر می‌شود. بنابراین، واقع‌گرایی ساختاری نتیجه می‌گیرد که تنش‌های جاری محصول ساختار آنارشی منطقه‌ای است که دولت‌ها را مجبور به رقابت برای منابع امنیتی و قدرت نسبی می‌کند، صرف‌نظر از ویژگی‌های داخلی آن‌ها. (سیف‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۶۰- ۱۴۰).

نئوامپریالیسم

نئو- امپریالیسم به‌عنوان رویکردی غیرمستقیم برای حفظ کنترل دولت‌ها یا مناطق، با استفاده از قدرت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی، پس از گذار از استعمار رسمی تعریف می‌شود. این مفهوم ریشه‌های خود را در استخراج منابع دوران استعماری دارد، همان‌طور که در کنترل فرانسه بر کشورهای فرانسوی‌زبان و حضور نظامی آمریکا و فرانسه در آفریقا (مانند بحران نیجر) مشاهده می‌شود (Składanowski, 2025: 97). این پدیده غالباً با مداخله در امور داخلی کشورها برای پیگیری منافع استراتژیک و اقتصادی، از جمله تغییر رژیم، تحریم‌ها و نفوذ سیاسی همراه است که اغلب تحت پوشش دموکراتیزاسیون یا بشردوستی توجیه می‌شود (Obamamoye, 2023: 134).

منتقدان معتقدند که نئو- امپریالیسم به‌طور ساختاری نابرابری جهانی را تقویت کرده، قدرت را در اختیار «مرکز» (کشورهای ثروتمند جهانی) متمرکز نموده و جهان «پیرامون» (کشورهای در حال توسعه غنی از منابع) را استثمار می‌کند؛ این امر میراث‌های حاشیه‌رانی استعماری را تداوم بخشیده و با نقض حاکمیت ملی، اصول استثمار و سوءاستفاده از حقوق بشر را حفظ می‌کند. (Tilwani, 2024: 605).

بحران‌های داخلی در منطقه شاخ آفریقا، مانند جنگ در سودان و وضعیت اتیوپی، به‌خوبی با الگوی نئو-امپریالیسم قابل توضیح است، جایی که رقابت قدرت‌های جهانی (مرکز) برای کنترل منابع حیاتی، بر تضادهای داخلی سایه می‌افکند، برخلاف دیدگاه نئورئالیسم که صرفاً بر محیط آنارشی دولت‌ها متمرکز است. در سودان، حمایت‌های منطقه‌ای (مانند امارات از RSF و عربستان از ارتش) تلاشی برای تضمین دسترسی به منابع کلیدی (طلا و کشاورزی) است و ادامه جنگ به‌عنوان ابزاری غیرمستقیم برای اعمال کنترل بر ساختار آتی کشور از طریق فروش تسلیحات و نفوذ دیپلماتیک عمل می‌کند. در مورد اتیوپی، نفوذ نئو-امپریالیستی از طریق فشار اقتصادی (تحریم‌ها و محدودیت دسترسی به وام‌های نهادی) پس از جنگ تیگرای اعمال می‌شود تا دولت را وادار به اجرای سیاست‌های اقتصادی مطلوب مرکز (مانند بازار آزاد) کند. این مداخلات، چه در حمایت از یک جناح خاص در سودان و چه در اعمال فشار اقتصادی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

بر اتیوپی، مصداق نقض حاکمیت ملی در راستای استثمار منابع و حفظ نفوذ قدرت‌های جهانی (مرکز) بر دولت‌های پیرامونی است.



مدل مفهومی پژوهش

یافته‌ها و تحلیل

بررسی روابط سودان و اتیوپی

مطالعات روابط بین‌الملل در مورد تعامل بین دو یا چند دولت، که اغلب پیچیده و تحت تأثیر عوامل مختلف ژئوپلیتیکی، تاریخی، اجتماعی، مذهبی و ایدئولوژیک هستند. این روابط بین بازیگران دولتی و غیردولتی نوعی همکاری و تضاد دارد (Spanier, 1987:68) بدیهی است که همه دولت‌ها نوعی روابط با سایر دولت‌ها دارند. رسنکس[1] اظهار داشت: «اینیک واقعیت آشکار است؛ زیرا هیچ دولتی خودکفا و قادر به وجود مستقل از دیگران در چارچوب جهان وابسته به یکدیگر نیست». روابط اتیوپی–سودان، که به روابط دوجانبه بین جمهوری دموکراتیک فدرال اتیوپی(FDRE) و جمهوری سودان (RoS) اشاره دارد، سابقه بسیار طولانی دارد که به دوران باستان آکسوم و مرو برمی‌گردد. تاریخ روابط اتیوپی و سودان، پیوند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیرینه‌ای را نشان می‌دهد. جدا از روابط آن‌ها به‌عنوان همسایه، اتیوپی و سودان ویژگی‌های مشترک زیادی دارند. همان‌طور که یاکوب اشاره کرد، اصطلاح «اتیوپی» یک کلمه یونانی به معنای «تیره» یا سیاه است. به‌طور مشابه، اصطلاح «سودان» یک کلمه عربی به معنای «تیره» یا «سیاه» است. برخی از گروه‌های قومی مانند نوئر، انواک و برتا در امتداد مناطق مرزی در اتیوپی و سودان زندگی می‌کنند. رودخانه‌های فرعی مانند اتبارا، نیل آبی (آبای)، میرب و سوبات از ارتفاعات اتیوپی به سودان سرازیر می‌شوند.

1. Rosecrans

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

با این حال، علی‌رغم تاریخ طولانی، مشترکاتی که پیوند دیرینه را ایجاد می‌کنند، هرگز به پیشرفت و روابط برادرانه برای مردم دو ملت منجر نشده‌اند. در تاریخ مدرن، به‌ویژه، آخرین پادشاه سلسله سلیمان، امپراتور هایله سلاسی و سیاست و استراتژی‌های خارجی رژیم نظامی درگو، که همسایگان اتیوپی را به‌عنوان دشمنان تاریخی در نظر می‌گرفت، نتوانستند رابطه تاریخی بین دو ملت را تقویت کنند. بدتر از آن، ذهنیت محاصره که از دیدگاهی که همسایگان ما را دشمن می‌داند، ناشی می‌شود، دو کشور را به سیاست مخرب پناه دادن به یکدیگر وادار کرد و حمایت از شورشیان یکدیگر تا سقوط رژیم درگ در سال ۱۹۹۱ بی‌ثبات‌سازی و مداخله متقابل تا حد زیادی از ویژگی‌های مشخص‌کننده رابطه اتیوپی-سودان باقی ماند. به عبارت دیگر، اصطلاح «دشمن دشمن من، دوست من است» به مشخصه رابطه بین دو کشور تبدیل شد. به‌عنوان مثال، این واقعیت که سیاست خارجی اتیوپی در دوران حکومت امپراتوری هایله سلاسی تحت سلطه دیدگاه مذهبی بود، به وخامت روابط بین دو کشور کمک کرد. در حالی که حکومت مارکسیست-لنینیست درگ نیز مبتنی بر دیدگاه ایدئولوژیک بود، از ارتش خلق سودان[1] حمایت می‌کرد، در حالی که دولت سودان در مبارزه خود علیه دولت اتیوپی، پیوند محکمی با جبهه آزادی‌بخش اریتره[2] و بعداًجبهه خلق آزادی‌بخش اریتره[3] برقرار کرد. برعکس، پس از سقوط رژیم درگ، اتیوپی شاهد تغییر پارادایم در رویکرد سیاست خارجی خود بود. روابط خارجی مبتنی بر نظامی‌گری و ذهنیت محاصره، جای خود را به سیاستی آینده‌نگر داد که ... رویکرد برد-برد و منافع متقابل را رعایت می‌کند.

در نتیجه، از سال ۱۹۹۱، اتیوپی توجه و تمرکز اصلی خود را به تعامل با کشورهای همسایه، آفریقا به‌عنوان یک قاره و همکاری جنوب-جنوب به‌طور کلی معطوف کرده است. همان‌طور که در سند امنیت خارجی و ملی فعلی اتیوپی آمده است، اتیوپی نهایت توجه را به همکاری نزدیک با کشورهای همسایه خود برای ارتقای تجارت، سرمایه‌گذاری، توسعه و زیرساخت‌ها با هدف تسریع ادغام اقتصادی معطوف می‌کند (Federal Democratic Republic of Ethiopia, 2002).

نقش بازیگران منطقه‌ای در بحران‌های منطقه‌ای بین سودان و اتیوپی

امارات متحده عربی

از دهه ۲۰۱۰، امارات متحده عربی روابط نظامی خود را با بسیاری از کشورهای آفریقایی، به‌ویژه

1. Sudan People's Liberation Movement/Army
2. Eritrean Liberation Front
3. Eritrean People's Liberation Front

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منطقه شاخ، تقویت کرده است. این روند از دهه ۲۰۲۰ شتاب بیشتری گرفته است. از یک‌سو، این روند نتیجه حضور اقتصادی فزاینده امارات در آفریقا (زیرساخت‌ها و بندرها تجاری؛ انرژی فسیلی و انرژی تجدیدپذیر؛ معدن) است. از سوی دیگر، این امر بر تمایل امارات برای افزایش نفوذ سیاسی خود در این قاره تأکید دارد. فعالیت‌های امارات در آفریقا، یک مؤلفه دریایی قابل توجه را نشان می‌دهد. در واقع، این فعالیت‌ها، اهداف تجاری (مانند بندرها و زیرساخت‌های ساحلی) و اهداف ژئواستراتژیک (مانند کنترل خطوط دریایی؛ طرح نظامی) را که اغلب با هم همپوشانی دارند، ترکیب می‌کند. در آفریقا، تعامل امارات متحده عربی را می‌توان در دو جهت اصلی دریایی ردیابی کرد. اولی دریای سرخ–مید (از دریای سرخ به سمت دریای مدیترانه) و دومی مسیر سرخ–هند (از دریای سرخ به سمت اقیانوس هند غربی) است. بنابراین، دریای سرخ در مرکز ژئواستراتژی فرامنطقه‌ای امارات قرار دارد و این شامل یمن نیز می‌شود. نقش نظامی امارات متحده عربی در آفریقا از سه الگو پیروی می‌کند. ۱. الگوی اول مقابله با تروریسم جهادی (القاعده؛ داعش)، گروه‌های شورشی مرتبط با اخوان المسلمین (سازمانی که امارات متحده عربی آن را به‌عنوان تروریست فهرست می‌کند): هدف حمایت از کشورهای آفریقایی برای توسعه/بهبود ظرفیت‌سازی دفاعی از طریق آموزش و تعلیم نظامی است. ۲. الگوی دوم مربوط به تدارکات و همکاری نظامی در بخش صنایع دفاعی است: هدف، تقویت مشارکت‌های ثبات‌محور با دولت‌های کشورهایی است که امارات متحده عربی در آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند. ۳. الگوی سوم مربوط به فعالیت گزارش‌شده امارات در مناطق درگیری (لیبی؛ سودان؛ اتیوپی) است که معمولاً توسط مقامات اماراتی انکار می‌شود تا نفوذ خود را از طریق حمایت نظامی از بازیگران مسلح غیردولتی افزایش دهد. در هر مورد همکاری، یک الگو معمولاً بر الگوی دیگر غالب است؛ با این حال، دو الگو می‌توانند در یک صحنه همزمان حضور داشته باشند (Magdalena, 2023: 122). این استراتژی سه‌جانبه حضور نظامی در آفریقا همچنین مستلزم یک طرح انعطاف‌پذیر از پایگاه‌های نظامی است که توسط اماراتی‌ها برای حمایت از اهدافشان تأسیس، گسترش یا به‌طور موقت استفاده می‌شوند. چنین نقش رو به رشدی در این قاره ممکن است امارات متحده عربی را در میان‌مدت تا بلندمدت در معرض خطرات امنیتی قرار دهد، به‌ویژه از افزایش فعالیت‌های ضد تروریسم (CT).

امارات متحده عربی از آموزش گارد جمهوری، یک واحد نظامی نخبه که در سال ۲۰۱۸ تأسیس شد و وظیفه حفاظت از نخست‌وزیر، مقامات ارشد دولتی و تأسیسات اصلی در کشور را بر عهده دارد، حمایت می‌کند. در سال ۲۰۲۳، اتیوپی و امارات متحده عربی تفاهم‌نامه‌ای برای مبارزه با تروریسم امضا

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

کردند؛ در نوامبر ۲۰۲۳، سفارت امارات متحده عربی در اتیوپی، با همکاری دانشکده جنگ وزارت دفاع اتیوپی، سخنرانی «مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی» را برگزار کرد. دخالت امارات در سودان نه‌تنها با هدف نهایی تثبیت قدرت در این کشور است، بلکه بخشی از یک استراتژی ژئوپلیتیک گسترده‌تر برای مدیریت رقابت‌های منطقه‌ای در شاخ آفریقا است که اتیوپی نیز بازیگر اصلی آن است. مهم‌ترین عامل درگیری، موقعیت استراتژیک سودان و اتیوپی در حاشیه دریای سرخ است (Liyew, 2025: 95).

برای امارات، که خود یک قدرت دریایی بزرگ است، دسترسی به سواحل سودان (بندر پورت سودان) و نفوذ بر کریدور دریای سرخ حیاتی است. این امر به امارات امکان می‌دهد تا در برابر قدرت‌های رقیب (مانند قطر، ترکیه یا عربستان سعودی) نفوذ بیشتری در مسیرهای تجاری حیاتی کسب کند. با حمایت از RSF، امارات در واقع یک نیروی سریع‌العمل و وابسته به خود را تقویت کرده است. این نیرو در صورت پیروزی، احتمالاً به امارات امتیازات بزرگی در زمینه‌های زیر خواهد داد، تضمین سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های زیرساختی در سودان، دسترسی انحصاری یا قوی به منابع طبیعی، به‌ویژه طلای سودان که منبع اصلی تأمین مالی برای RSF و همچنین منبع کسب درآمد مستقیم برای امارات است. اتیوپی، به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت جمعیتی و نظامی در شاخ آفریقا، بازیگر اصلی است که امارات به دنبال موازنه آن است، امارات و اتیوپی هر دو به دنبال تبدیل شدن به هاب اصلی اقتصادی و امنیتی در منطقه هستند. اگرچه امارات مستقیماً در مذاکرات سد دخیل نیست، اما نفوذ بر سودان (که یکی از سه کشور حوضه نیل است) یک اهرم فشار غیرمستقیم بر اتیوپی محسوب می‌شود. دولت مرکزی سودان (ارتش) معمولاً رویکردی متعادل‌تر در قبال سد دارد، در حالی که هرج و مرج ناشی از RSF می‌تواند مذاکرات را پیچیده یا کاملاً متوقف سازد، که این وضعیت برای اهداف استراتژیک طولانی‌مدت امارات می‌تواند مفید باشد (نگاه کنید به نفوذ عربستان و مصر که طرف مقابل هستند).

ترکیه و قطر نیز در منطقه نفوذ دارند و از طرفین درگیری در سودان حمایت می‌کنند. امارات با تقویت RSF، به دنبال پیشبرد اهداف خود در رقابت با این کشورها است. بنابراین، سیاست امارات در سودان، به‌جای تلاش برای صلح، یک استراتژی «جنگ نیابتی کنترل‌شده» است که ثبات منطقه را به نفع منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی خود قربانی می‌کند و مستقیماً به افزایش تنش‌ها بین سودان و اتیوپی (از طریق بی‌ثباتی مرزی و مذاکرات نیل) دامن می‌زند. امارات به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور، در تلاش است تا توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهد و امنیت و منافع اقتصادی خود را در یک محیط ناامن (آنارشی) تضمین کند. اهداف اصلی امارات چندوجهی هستند:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. اهداف چندوجهی اصلی امارات

حوزه	هدف/نفع اصلی	تحلیل نظری (واقع‌گرایی ساختاری و نئوامپریالیسم)
ژئواستراتژیک (دریایی)	کنترل و نفوذ بر مسیرهای حیاتی دریای سرخ و اقیانوس هند.	تأمین بقا و دسترسی: دسترسی به بندرها (به‌ویژه پورت سودان) برای حمایت از موقعیت دریایی خود در برابر رقبا (ترکیه، قطر، عربستان سعودی) یک ضرورت امنیتی-اقتصادی است.
اقتصادی و منابع	تضمین سرمایه‌گذاری‌ها، دسترسی به منابع طبیعی (مانند طلا) و پروژه‌های زیرساختی.	استخراج ارزش: این دقیقاً هدف نئوامپریالیسم است: حفظ منافع اقتصادی در کشورهای پیرامونی از طریق نفوذ سیاسی و حمایت از بازیگران همسو.
رقابت منطقه‌ای	موازنه قدرت در برابر اتیوپی (بزرگ‌ترین قدرت جمعیتی/نظامی) و مهار نفوذ بازیگران رقیب مانند ترکیه و قطر.	توازن قوا: با حمایت از یک جناح (RSF)، امارات از تبدیل شدن اتیوپی به بازیگر غالب در شاخ آفریقا جلوگیری کرده و سودان را به یک ابزار فشار غیرمستقیم علیه اتیوپی تبدیل می‌کند.
امنیت داخلی/ مبارزه با تروریسم	مقابله با گروه‌هایی که امارات آن‌ها را تروریستی می‌داند (مانند اخوان‌المسلمین).	تأمین ثبات طرفدار خود: همکاری نظامی با دولت‌هایی که در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده یا با آن‌ها همسو است (مانند اتیوپی و برخی دولت‌های آفریقایی) برای حفظ ثبات پایدار در حوزه نفوذ خود.

جدول ۲. شواهد اقتصادی و نظامی دخالت امارات و اثر آن بر رقبا

شواهد و داده‌ها	بازیگر/منبع اصلی	دلالت بر نئوامپریالیسم و بحران‌زایی
تأمین مالی RSF	منابع طلا در سودان (منبع اصلی تأمین مالی برای RSF و منبع درآمد مستقیم برای امارات).	استثمار منابع: استفاده از درگیری برای دسترسی مستقیم به منابع استخراجی، که از اهداف اصلی نئوامپریالیسم است.
آموزش گارد جمهوری اتیوپی (۲۰۱۸)	امارات متحده عربی و اتیوپی.	ایجاد نفوذ نظامی بلندمدت: این حمایت، نشان‌دهنده تلاش امارات برای ایجاد شبکه‌های امنیتی در عمق خاک اتیوپی است تا در رقابت‌های آتی (از جمله بر سر نیل) اهرم فشار داشته باشد.
نقش در مذاکرات GERD	امارات به دنبال نفوذ بر سودان برای پیچیده کردن مذاکرات اتیوپی.	بحران‌سازی غیرمستقیم: هرج و مرج ناشی از RSF مذاکرات را مختل می‌کند، که این وضعیت به نفع رقبای اتیوپی (مصر و امارات) است.
همپوشانی اهداف تجاری و نظامی	فعالیت در سواحل سودان و یمن.	تلفیق نئوامپریالیسم: اهداف تجاری (پایگاه‌ها، بنادر) مستقیماً با اهداف نظامی (کنترل خطوط دریایی) ترکیب شده‌اند تا کنترل منطقه‌ای را تضمین کنند.

استراتژی امارات متحده عربی در منطقه شاخ آفریقا نمونه‌ای معاصر از تلاقی واقع‌گرایی ساختاری و نئوامپریالیسم است. ساختار آنارشی منطقه، امارات را ترغیب می‌کند تا با استفاده از ابزارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی (نئوامپریالیسم) به دنبال منافع امنیتی و دسترسی به منابع باشد، که این امر مستقیماً ثبات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

همسایگان اصلی مانند اتیوپی را به خطر می‌اندازد و رقابت قدرت‌ها را در منطقه تشدید می‌کند.

عربستان سعودی

تعامل ریاض با سودان، اتیوپی و اریتره از دهه‌ها مشارکت حداقلی به سنگ بنای چشم‌انداز ۲۰۳۰ که در سال ۲۰۱۶ آغاز شد، تبدیل شده است. این تعامل جدید سه محرک دارد. اولین مورد، مأموریتی برای دستیابی به امنیت غذایی با کاهش وابستگی عربستان سعودی به واردات است. دومینمورد، تشدید رقابت با امارات متحده عربی برای نفوذ ژئوپلیتیکی و تسلط منطقه‌ای است و سومین محرک، تلاش ریاض برای مقابله با نفوذ رو به رشد چین در قاره آفریقا است. از زمان تأسیس عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ تا اوایل قرن بیست و یکم، سیاست خارجی این کشور بر نقش رهبری آن در جهان عرب و مسلمان و همچنین تسلط آن بر بازارهای جهانی انرژی متمرکز بود که تا سال ۲۰۰۰، ۹۰ درصد از درآمد صادراتی آن را تشکیل می‌داد.

تعامل با شاخ بزرگ آفریقا شامل بخش بزرگی از فعالیت‌های مذهبی جزئی، مانند تأمین مالی مساجد در سودان و اتیوپی، با فعالیت اقتصادی محدود بود. سرمایه‌گذاری‌ها در این منطقه، با وجود اینکه ۶۵ درصد از زمین‌های زراعی کشت نشده جهان را در خود جای داده است و ۱۲ تا ۱۵ درصد از تجارت جهانی از دریای سرخ عبور می‌کند، ناچیز بود. فقدان تعامل پایدار، کسری اعتماد ایجاد کرد و کشورهای آفریقایی به‌طور کلی عربستان سعودی را به‌عنوان یک بازیگر دوردست که درک محدودی از پویایی‌های محلی دارد، می‌دیدند. این وضعیت با راه‌اندازی چشم‌انداز ۲۰۳۰ تغییر کرد. چشم‌انداز ۲۰۳۰، شاخ بزرگ آفریقا را به‌عنوان مرز حیاتی برای رسیدگی به کمبود آب عربستان سعودی و وابستگی آن به نفت برای تأمین اقتصاد خود در نظر می‌گیرد. چشم‌انداز ۲۰۳۰ همچنین به دنبال رسیدگی به وابستگی ۸۰ درصدی پادشاهی به واردات مواد غذایی است. برای مقابله با این مشکل، ریاض تصمیم گرفت با سرمایه‌گذاری در فناوری کشاورزی و زمین‌های کشاورزی در کشورهای آفریقایی، تولید داخلی را افزایش داده و منابع غذایی پایدار و باثبات را تأمین کند. تقریباً در همان زمان، امارات متحده عربی نیز شروع به علاقه‌مندی به همین منطقه کرد. صحنه برای رقابت عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای ورود به ابعاد جدید آماده شد (Adugna, 2021: 55).

از نظر تاریخی، رقابت بین ریاض و ابوظبی ریشه در رقابت بر سر رهبری خلیج‌فارس داشت. این رقابت با ثروت نفتی و اقتدار مذهبی عربستان سعودی در مقابل تمرکز امارات متحده عربی بر تبدیل دبی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

به یک‌قطب تجاری بین‌المللی مشخص می‌شد. این رقابت که با چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی و چشم‌انداز ۲۰۲۱ امارات متحده عربی (که در سال ۲۰۱۰ اعلام شد و به دنبال تنوع‌بخشی به اقتصاد امارات و افزایش رقابت‌پذیری جهانی آن از طریق نوآوری و توسعه پایدار است) تشدید شد، به شاخ آفریقا نیز کشیده شد. در اینجا، رقابت بر کنترل مسیرهای تجاری دریای سرخ و سرمایه‌گذاری در برنامه‌های کشاورزی با هدف تضمین امنیت غذایی داخلی و تنوع اقتصادی متمرکز است.

از نظر اقتصادی، گسترش رقابت بین عربستان سعودی و امارات متحده عربی، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری تهاجمی را تقویت کرده است. سرمایه‌گذاری ۴۴۲ میلیون دلاری ابوظبی در تبدیل بندر بربره در سومالی‌لند به یک‌قطب تجاری، نمونه‌ای از این رقابت است. قرارداد چند میلیارد دلاری ریاض برای توسعه بندر عصب در اریتره نیز نمونه دیگری از این رقابت است. این نوع رقابت می‌تواند هماهنگی بین کشورهای خلیج‌فارس را که در غیر این صورت می‌توانست به صلح و ثبات کمک کند، تحت تأثیر قرار دهد. به‌عنوان مثال، توافق صلح اتیوپی و اریتره در سال ۲۰۱۸ که با میانجیگری عربستان سعودی و امارات متحده عربی حاصل شد، به دو دهه درگیری بر سر مرزها و دسترسی آدیس آبابا به دریا پایان داد. تقریباً در هر زمینه‌ای، یک پروژه اقتصادی توسط یک نهاد خارجی که حداقل سود را برای کشور میزبان فراهم می‌کند حتی اگر حاکمان آن کشور را ثروتمند کند باعث نارضایتی، مخالفت و گاهی اوقات اختلال در خود پروژه می‌شود. همان‌طور که قابل پیش‌بینی است، در مواردی که سرمایه‌گذاری‌های ریاض در شاخ آفریقا منافع عربستان سعودی را بر نیازهای محلی اولویت داده است، نتیجه دقیقاً همین بوده است. استخراج‌گرایی که به‌هیچ‌وجه به رفاه جوامع محلی کمکی نکرده و گاهی اوقات مستقیماً به آن‌ها آسیب رسانده است، صرفاً باعث ایجاد مقاومت و ناآرامی نمی‌شود؛ این امر صدها میلیون دلار برای پروژه‌های متوقف شده برای ریاض هزینه داشته و اعتبار کشور را لکه‌دار کرده است. عربستان سعودی باید با این واقعیت روبرو شود که این رویکرد ناعادلانه برای همه افراد درگیر مضر است (Østebø, 2022: 221).

در سال ۲۰۱۱، معترضان در گامبلا، اتیوپی، که عمدتاً کشاورزان و دامداران آواره بودند، بر سر اجاره زمین‌های وسیع به سرمایه‌گذاران خارجی با نیروهای امنیتی درگیر شدند. پروژه کشاورزی و آبیاری ستاره سعودی، یک سرمایه‌گذاری خصوصی به رهبری میلیاردر سعودی-اتیوپیایی محمدحسین علی العمودی (تحت ابتکار ملک عبدالله عربستان سعودی برای امنیت غذایی ملی)، ۱۰۰۰۰ هکتار را برای تولید برنج اجاره کرده بود و قصد داشت آن را به ۵۰۰۰۰۰ هکتار گسترش دهد. در طول چند سال بعد، ادعاهای جابجایی مداوم و نقض حقوق بشر، ناآرامی‌های بیشتری را دامن زد، در حالی که این پروژه با بارندگی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

و مدیریت ضعیف دست و پنجه نرم می‌کرد و عملکرد پیش‌بینی‌شده برنج را از ۱۰۰۰۰ به ۵۰۰۰ تن کاهش داد. تا سال ۲۰۱۵، مقاومت مداوم و مسائل لجستیکی، باعث کاهش قابل توجه مقیاس و توقف برنامه‌های توسعه شد. اتفاق مشابهی در ایالت رود نیل سودان و جاهای دیگر رخ داد، جایی که اعتراضات علیه معاملات زمین خارجی در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ آغاز شد. امروزه، سرمایه‌گذاری‌های متضاد سعودی-اماراتی نیز خطر تشدید جنگ داخلی سودان که در سال ۲۰۲۳ آغاز شد را به همراه دارد، زیرا ممکن است آن‌ها به‌طور مؤثر جناح‌های مخالف را تأمین مالی کنند و در نتیجه اختلافات را تشدید کنند.

پروژه‌های سرمایه‌گذاری ناعادلانه، فراتر از تحریک مخالفت‌های محلی که گاهی اوقات معاملات را مختل می‌کنند، نفوذ گسترده‌تر عربستان سعودی را به خطر می‌اندازند و در نهایت، دسترسی آن را در سراسر شاخ بزرگ آفریقا به‌شدت محدود می‌کنند. هماهنگی ضعیف بین کشورهای خلیج‌فارس، به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، می‌تواند تأثیر مشابهی داشته باشد. برای مثال، منافع رقابتی عربستان و امارات می‌تواند کشورهای شکننده‌ای مانند سودان را بی‌ثبات کند و سرمایه‌گذاری‌ها را به‌جای کاتالیزورهایی برای پیشرفت، به نقاط اشتعال درگیری تبدیل کند و در نتیجه باعث ایجاد نارضایتی در میان بسیاری از سودانی‌ها شود. برای جلوگیری از این خطر و تضمین نتایج پایدار، ضروری است که روابط بر اساس منافع متقابل و احترام به اولویت‌های محلی بنا شود.

بر اساس تحلیل‌های موجود و رویکردهای ژئوپلیتیکی، عربستان سعودی مستقیماً عامل اصلی و محرک اصلی اختلاف بین اتیوپی و سودان نبوده است. در واقع، این اختلافات عمدتاً ریشه در مسائل داخلی سودان (جنگ داخلی آوریل ۲۰۲۳)، رقابت‌های تاریخی مرزی و مهم‌تر از همه، مسئله سد النهضه اتیوپی دارد که یک موضوع آبی-امنیتی بین سه کشور است. اما، نقش عربستان سعودی در این میان، نقش تقویت‌کننده یا تسهیل‌کننده است که وضعیت را به نفع منافع خود تغییر می‌دهد، نه اینکه خود شروع‌کننده اختلاف باشد. همان‌طور که در تحلیل‌های قبلی اشاره شد، عربستان سعودی از ارتش سودان (نه RSF) حمایت می‌کند. این حمایت دو پیامد بر رابطه سودان و اتیوپی دارد، با حمایت عربستان، ارتش سودان در جنگ داخلی خود قدرت بیشتری پیدا می‌کند و کمتر تحت فشار مجبور به سازش‌های استراتژیک می‌شود. این موضع قدرتمندتر می‌تواند باعث شود که سودان در مورد مسائل مرزی یا آب نیل با اتیوپی کمتر انعطاف‌پذیر باشد، که این امر به‌طور طبیعی تنش‌ها را افزایش می‌دهد. عربستان سعودی از طریق روابط خود با مصر، از رویکرد سخت‌گیرانه‌تر سودان (که تحت تأثیر ارتش است) در قبال اتیوپی حمایت می‌کند. این حمایت، احتمال دستیابی به یک توافق جامع و سریع در مورد سد را کاهش می‌دهد،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

زیرا طرف سودانی انگیزه‌ای برای پذیرش مصالحه‌ای ندارد که تحت حمایت ریاض قرار دارد.

عربستان سعودی از طریق مهار نفوذ امارات در سودان، به‌طور غیرمستقیم بر تداوم جنگ داخلی و در نتیجه بر بی‌ثباتی مرزهای اتیوپی تأثیر می‌گذارد، حمایت امارات از RSF و حمایت عربستان از ارتش، به یک جنگ نیابتی تبدیل شده است که تداوم آن باعث شده است دولت مرکزی سودان ضعیف‌تر و متمرکز بر درگیری داخلی بماند. این ضعف، توانایی سودان برای مدیریت کارآمد مرزهای طولانی خود با اتیوپی (به‌ویژه در منطقه فاشا) را کاهش می‌دهد و درگیری‌های مرزی جزئی را تشدید می‌کند. عربستان سعودی به دنبال دسترسی به سواحل دریای سرخ است. هرگونه بی‌ثباتی بین سودان و اتیوپی، چشم‌انداز پروژه‌های اقتصادی عربستان در منطقه را تهدید می‌کند. برخلاف قطر یا ترکیه که ممکن است تلاش‌هایی برای میانجیگری در برخی اختلافات مرزی کوچک سودان-اتیوپی انجام داده باشند، عربستان سعودی تمرکز خود را بر تثبیت قدرت در خارطوم قرار داده است. این تمرکز به این معنی است که ریاض ترجیح می‌دهد اختلافات بزرگ‌تر (مثل سد) در حالت تعلیق باقی بماند تا زمانی که دولت سودان تحت نفوذ آن تثبیت شود، تا اینکه برای حل و فصل اختلافات کوچک‌تر بین خارطوم و آدیس‌آبابا فعالانه میانجیگری کند.

عربستان سعودی با حمایت استراتژیک از یک جناح در سودان (ارتش) و همسویی با منافع مصر در پرونده آب نیل، باعث تقویت موضع سخت سودان در برابر اتیوپی شده است، که این امر منجر به تداوم تنش‌ها بر سر سد النهضه و مسائل مرزی شده است. با این حال، عامل اصلی اختلاف، خود درگیری‌های داخلی سودان و سد نیل است و عربستان سعودی صرفاً بازیگری است که با حمایت خود، معادله قدرت منطقه‌ای و تداوم تنش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جدول ۳. با اهداف عربستان سعودی

تحلیل نظری (واقع‌گرایی ساختاری و نئوامپریالیسم)	هدف/نفع اصلی
بقای دولت: کاهش وابستگی ۸۰ درصدی به واردات مواد غذایی و تأمین آب پایدار (با توجه به کمبود منابع داخلی) یک ضرورت بقا در محیط آنارشی منطقه‌ای است.	**امنیت غذایی و آبی**
کاهش آسیب‌پذیری: دور شدن از وابستگی ۹۰ درصدی به نفت (تا سال ۲۰۰۰) و استفاده از زمین‌های کشاورزی آفریقا به‌عنوان یک دارایی استراتژیک جدید برای ثبات اقتصادی بلندمدت.	**تنوع‌بخشی اقتصادی**
توازن قوا: تصویرسازی ریاض به‌عنوان جایگزینی برای «تله بدهی» چین، تلاشی برای محدود کردن نفوذ یک قدرت بزرگ رقیب و حفظ حاکمیت اقتصادی منطقه تحت تأثیر خود.	**مقابله با نفوذ چین**
اهرم فشار استراتژیک: حمایت از ارتش سودان (SAF) و اتخاذ موضع سخت‌گیرانه در قبال اتیوپی، به ریاض اجازه می‌دهد در مورد سد النهضه (GERD) نفوذ داشته باشد (از طریق متحدان خود در سودان و مصر).	**تأثیرگذاری بر نیل**

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

جدول ۴. روش‌های تحقق اهداف

نظریه	روش تحقق اهداف	شواهد مستند
نئوامپریالیسم (استخراج‌گرایی)	سرمایه‌گذاری در زمین و فناوری کشاورزی: اجاره زمین‌های وسیع در اتیوپی و سودان برای امنیت غذایی داخلی ریاض.	پروژه ستاره سعودی در اتیوپی: اجاره ۱۰۰۰۰ هکتار زمین توسط محمد العمودی (نماینده غیرمستقیم سعودی) که به دلیل جابجایی و حقوق بشر، باعث مقاومت و توقف شد.
واقع‌گرایی ساختاری (توازن قوا)	رقابت منطقه‌ای و حمایت‌های متناقض: ریاض و ابوظبی به‌جای همکاری، برای نفوذ در مناطق غنی از منابع رقابت می‌کنند.	رقابت بندری: سرمایه‌گذاری ۴۴۲ میلیون دلاری امارات در بربره در مقابل قرارداد چند میلیارد دلاری عربستان برای توسعه بندر عصب اریتره.
نئوامپریالیسم (دخالت در درگیری)	حمایت از بازیگران خاص در بحران سودان: حمایت ریاض از دولت سودان (SAF) در مقابل RSF که مورد حمایت امارات است.	رد قرارداد بندر ابوامامه (نوامبر ۲۰۲۴): دولت سودان قرارداد ۶ میلیارد دلاری امارات را رد کرد زیرا امارات در حال مسلح کردن RSF بود؛ این نشان می‌دهد که منافع اقتصادی تحت‌الشعاع رقابت نظامی قرار گرفته است.
واقع‌گرایی ساختاری (مهار قدرت‌های بزرگ)	جایگزینی برای چین: ارائه مدل مشارکتی توسعه‌ای و کمک‌های بشردوستانه به‌عنوان جایگزینی برای وام‌های چین.	ریاض خود را به‌عنوان یک شریک قابل اعتمادتر معرفی می‌کند که از تله‌های بدهی اجتناب می‌کند.

نقش بازیگران بین‌المللی در بحران‌های منطقه‌ای بین سودان و اتیوپی

ایالات‌متحده آمریکا

گشایش دموکراتیک در سودان و اتیوپی در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ پدیدار شد و در سودان تا دوران ریاست جمهوری جو بایدن ادامه یافت. در بالاترین سطوح، سیاست در مورد آفریقا و ترویج دموکراسی در دولت ترامپ در اولویت قرار نگرفت. در اتیوپی، تمرکز کاخ سفید بر میانجیگری در اختلاف سد بزرگ رنسانس اتیوپی با شرایط مطلوب برای مصر بود (Gramer, 2020). این امر مورد استقبال اتیوپی قرار نگرفت و منجر به یک سیاست آشفته شد. تمرکز سفارت ایالات‌متحده بر اصلاحات دموکراتیک بود، در حالی که در بالاترین سطوح، نفوذ ایالات‌متحده بر میانجیگری در اختلاف سد بزرگ رنسانس اتیوپی متمرکز بود، نه دموکراتیزاسیون. در سودان، فشار بر دولت انتقالی برای به رسمیت شناختن اسرائیل و پیشبرد توافق‌نامه‌های ابراهیم دنبال شد (Magdy, 2020).

در دولت بایدن، سیاست آفریقا ارتقا یافت، اما با توجه به اضطرار جنگ در اتیوپی، سودان در کانون توجه قرار نگرفت. به این ترتیب، توافق‌نامه ابراهیم به‌عنوان یک دستاورد ژئوپلیتیکی، سودان را از انزوای

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مالی رهانید و راه را برای خروج آن از لیست «دولت‌های حامی تروریسم» آمریکا باز کرد. این امر منجر به آزادسازی منابع عظیمی شد که شامل دسترسی به سیستم مالی جهانی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سوی قدرت‌های منطقه‌ای مانند امارات و تسهیل کمک‌های نهادی بین‌المللی بود. این منابع پتانسیل بالایی برای حمایت از گذار سیاسی سودان به سمت دموکراسی داشتند، زیرا می‌توانستند به‌عنوان اهرمی برای کمک به اقتصاد و ایجاد ثبات عمل کنند، اما این آزادسازی، یک هدف استراتژیک اصلی برای بسیاری از بازیگران منطقه‌ای (به‌ویژه امارات) بود که اهداف دیگری فراتر از دموکراسی‌سازی را دنبال می‌کردند. با این حال، این آزادسازی منابع نتوانست مسیر دموکراتیزاسیون را تضمین کند، زیرا این دستاوردها دیر به دست آمده همزمان با تضعیف روند انتقال قدرت غیرنظامی در سودان (به‌ویژه پس از کودتا)، تمرکز کافی در سطح بالای سیاست خارجی آمریکا برای هدایت مؤثر این منابع جدید به سمت نهادهای دموکراتیک وجود نداشت. در نتیجه، منابع آزاد شده بیشتر تبدیل به ابزاری برای حفظ نفوذ بازیگران منطقه‌ای و نظامیان سودانی شد تا نیرویی برای تثبیت یک رژیم دموکراتیک پایدار، همان‌طور که تحلیل اصلی به آن اشاره می‌کند.

سیاست‌گذاران ایالات‌متحده در تمام سطوح تمایل دارند که منافع و قابلیت‌های قدرت‌های نوظهور را در تأثیرگذاری بر نتایج در طول گشایش دموکراتیک به‌طور ناکافی در نظر بگیرند، که منجر به برداشت نادرست از تأثیر نسبی سیاست‌ها و برنامه‌های ایالات‌متحده می‌شود. دوم، ایالات‌متحده اغلب منافع خود را در مدیریت روابط با قدرت‌های نوظهور در یک بازی ژئوپلیتیکی غیرقابل پیش‌بینی در اولویت قرار می‌دهد و منافع اصلی و بلندمدت در نتایج دموکراتیک را تضعیف می‌کند. زیرا بازیگرانی مانند امارات، مصر و عربستان سعودی اهداف متناقضی در منطقه دارند. امارات از نیروهای نظامی خاصی حمایت می‌کند (مانند RSF در سودان) که مستقیماً علیه روند دموکراتیک عمل می‌کنند. در چنین محیطی، آمریکا نمی‌تواند پیش‌بینی کند که آیا حمایت‌های منطقه‌ای (مثل آنچه امارات ارائه می‌کند) به سمت ثبات دموکراتیک خواهد بود یا صرفاً برای دستیابی به منافع خود (استخراج منابع، دسترسی به بنادر) مسیر را منحرف خواهد کرد. در موارد دیگر، ایالات‌متحده نمی‌تواند این دو هدف را به‌درستی ترکیب کند. منافع ایالات‌متحده در ایجاد و حفظ روابط با بازیگران نوظهور می‌تواند انگیزه قوی‌تری نسبت به فشار بر آن کشورها برای حمایت از یک گشایش دموکراتیک غیرقابل پیش‌بینی باشد.

در سودان و اتیوپی، هماهنگی بین‌المللی ضعیفی برای حمایت از دموکراسی وجود داشت و با وجود افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت آن‌ها، تعامل کمی با قدرت‌های متوسط نوظهور وجود

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

داشت یا اصلاً وجود نداشت. طیف وسیعی از قدرت‌های متوسط و نوظهور، ازجمله قطر، عربستان سعودی، ترکیه و امارات متحده عربی، حضور خود را در شاخ آفریقا در طول دهه گذشته افزایش داده‌اند.

در طول گشایش‌های دموکراتیک در سودان و اتیوپی، امارات متحده عربی یک قدرت نوظهور برجسته بود که نفوذ خود را در هر دو کشور گسترش داد و تأثیرات منفی بر چشم‌اندازهای دموکراتیزاسیون داشت. در جایی که ایالات‌متحده قصد حمایت از گشایش‌های دموکراتیک را دارد، باید از همان ابتدا در همکاری‌های استراتژیک با سایر کشورهای همفکر و همچنین قدرت‌های نوظهور سرمایه‌گذاری کند تا اهداف و انتظارات سطح‌بندی شده را هماهنگ کند. در جایی که قدرت‌های نوظهور دوست اقداماتی را انجام می‌دهند که دموکراتیزاسیون را تضعیف می‌کند، ایالات‌متحده باید در صورت امکان برای محدود کردن یا معکوس کردن چنین سیاست‌هایی فشار وارد کند. چنین هماهنگی با توجه به نفوذ فزاینده این قدرت‌های نوظهور و چگونگی تأثیر آن بر نفوذ نسبی ایالات‌متحده، استفاده از پهنای باند سیاست‌گذاران ایالات‌متحده را به‌طور فزاینده‌ای مهم می‌کند.

جدول ۵. روش‌های تحقق اهداف و منافع

کشور/قدرت	هدف/منفعت اعلامی (مرتبط با آمریکا)	روش تحقق و بازیگر اصلی	تأثیر بر دموکراسی سودان/اتیوپی	نظریه مرتبط
سودان	انتقال به دموکراسی و حاکمیت قانون (هدف آمریکا)	فشار برای توافق ابراهیم (آمریکا)	انتقال دموکراتیک متوقف شد؛ اولویت به نفوذ ژئوپلیتیکی داده شد.	نئورئالیسم/ نئوامپریالیسم: منافع ژئوپلیتیکی بر دموکراسی اولویت یافت.
سودان	دسترسی به منابع و بنادر (هدف امارات)	حمایت از نیروهای خاص مانند RSF (امارات)	تقویت جناح‌های نظامی ضد دموکراتیک.	نئوامپریالیسم: حفظ کنترل غیرمستقیم بر منابع از طریق بازیگران دست‌نشانده.
اتیوپی	ثبات منطقه‌ای و مدیریت سد (هدف آمریکا/مصر)	میانجیگری متمرکز بر سد (آمریکا)	تمرکز سیاست خارجی آمریکا از دموکراتیزاسیون داخلی اتیوپی منحرف شد.	نئورئالیسم: حفظ امنیت منابع آبی (قابلیت استراتژیک) اولویت یافت.
منطقه	افزایش نفوذ منطقه‌ای (هدف قدرت‌های نوظهور)	افزایش مشارکت اقتصادی و نظامی توسط UAE، قطر، عربستان	کاهش قدرت چانه‌زنی دولت‌های در حال گذار در برابر این قدرت‌ها.	نئورئالیسم: رقابت دولت‌ها برای گسترش حوزه نفوذ در ساختار منطقه‌ای.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

جدول (۵) نشان می‌دهد که در هر دو مورد سودان و اتیوپی، اهداف بلندمدت دموکراتیک آمریکا در برابر منافع امنیتی/استراتژیک کوتاه‌مدت آمریکا (نظیر مدیریت سد) و منافع صرفاً اقتصادی/ ژئوپلیتیکی قدرت‌های نوظهور (نئوامپریالیسم امارات در سودان) شکست خورد. این وضعیت، به‌طور کامل با پیش‌بینی‌های نئورئالیسم سازگار است که در آن، بقا و توزیع قدرت (قابلیت‌ها) بر ایدئولوژی‌ها (دموکراسی) حاکم است، و همچنین با نئوامپریالیسم که در آن، روابط نابرابر مرکز و پیرامون، استخراج منابع و نفوذ استراتژیک را بر حکمرانی داخلی کشورها ارجحیت می‌دهد.

چین

کنفرانس صلح ژوئن ۲۰۲۲ که به میزبانی مشترک اتیوپی و کنیا و با حضور رهبران ارشد جیبوتی، سومالی، سودان جنوبی، سودان و اوگاندا برگزار شد، به‌طور جدی آغاز شد. این کنفرانس برنامه‌ای هم از جمله دعوت از چین برای کمک به حل مناقشات و تعهد کشورها برای دیدار منظم برای رسیدگی به بحران‌ها را تدوین کرد. این ابتکار زمانی آغاز شد که آبی[1] با فشار فزاینده‌ای از سوی شرکای غربی خود به دلیل نقض حقوق بشر ادعایی توسط نیروهای اتیوپی در تیگرای، از جمله تعلیق اتیوپی در ژانویه ۲۰۲۲ از قانون رشد و فرصت آفریقا که به کشورهای آفریقایی دسترسی بدون عوارض به بازارهای ایالات‌متحده را می‌دهد، روبرو شد (Kuo, 2020).

زمان‌بندی تعهد حمایت چین از آبی، ظاهراً با هدف بهره‌برداری از این تنش با غرب است. چین استراتژی مشابهی را برای محافظت از رژیم‌های فعلی در سودان جنوبی و سودان دنبال می‌کند، جایی که با تحریم‌ها و آنچه «مداخله خارجی» می‌نامد، مخالف است. چین همچنین به‌شدت از اریتره که با تحریم‌های غرب روبرو است و نیروهایش در کنار نیروهای اتیوپی می‌جنگند، حمایت می‌کند. حفاظت از منافع طرح کمربند و جاده یکی دیگر از اولویت‌های ابتکار شاخ چین است. اتیوپی میزبان ۴۰۰ پروژه تولیدی و ساختمانی چینی به ارزش بیش از ۴ میلیارد دلار و همچنین صدها پیمانکار در سد بزرگ رنسانس اتیوپی[2]، بزرگ‌ترین سد آفریقا، است. یک توافق میانجیگرانه با کاهش خشونت‌هایی که می‌تواند سبد سرمایه‌گذاری بزرگ چین را مختل کند، به نفع چین خواهد بود (Wong, 2021: 50). در آغاز درگیری در تیگرای در نوامبر ۲۰۲۰، چین با ارتش اتیوپی برای تخلیه ۶۰۰ شهروند چینی از پالایشگاه عظیم شکر ولکایت در نزدیکی خطوط مقدم و یک پروژه آب در نزدیکی محله که توسط گروه گژوبا، یکی

1. Abiy Ahmed
2. Grand Ethiopian Renaissance Dam

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

از بزرگ‌ترین شرکت‌های دولتی انرژی چین، اداره می‌شود، همکاری کرد. در مارس ۲۰۲۱، چین و اتیوپی یک «مکانیسم حفاظت امنیتی» برای محافظت از سرمایه‌گذاری‌های چین در اتیوپی ایجاد کردند[1].

ابتکار شاخ چین در تضاد با مشارکت آن در سودان جنوبی در سال ۲۰۱۳ است که به دلیل سازنده بودنش متمایز بود. چین با توجه به سرمایه‌گذاری‌هایش در خطوط لوله نفت، چاه‌ها و زیرساخت‌های صادراتی، انگیزه داشت که در سودان جنوبی مشارکت کند. ژونگ جیان‌هوا، نماینده ویژه وقت چین در امور آفریقا، با همکاری نزدیک با میانجیگری مداومی که توسط فرستاده فقید ایالات‌متحده، پرینستون لیمن، آغاز شده بود، به طرز ماهرانه‌ای جناح‌های کلیدی متخاصم را دور میز مذاکره گرد هم آورد. با تکیه بر روابط نزدیک شخصی و حرفه‌ای این دو دیپلمات، این‌یکی از مواردی بود که چین به ایفای نقش میانجی نزدیک شد. چین نه‌تنها مایل به گفتگو با همه طرف‌ها بود، بلکه از یک فرآیند چندجانبه بزرگ‌تر نیز حمایت می‌کرد (Olander, 2021: 98). با این حال، به نظر نمی‌رسد چین در آخرین ابتکار خود مشتاق همکاری با فرستادگان غربی یا تبدیل شدن به بخشی از ابتکارات چندجانبه موجود باشد. چین این موضع را با این جمله بیان کرده است که آبی و دیگر رهبران «از مداخله خارجی و موعظه‌های کشورهای غربی خسته شده‌اند» و اینکه کشورهای منطقه می‌گویند «چین به ما احترام می‌گذارد، با ما به‌عنوان کشورهای برابر رفتار می‌کند و بنابراین می‌خواهند چین نقشی فعال‌تر و سازنده‌تر ایفا کند». این توجیه نقش چین با ماهیت رژیم‌محور تلاش‌های آن سازگار است (Sany, 2022: 9).

از نظر عملی، به نظر می‌رسد این موضع‌گیری با هدف جلب رضایت چین نزد آبی و در عین حال پیشبرد جایگاه ژئواستراتژیک چین در منطقه صورت می‌گیرد. اتیوپی یکی از نزدیک‌ترین شرکای نظامی و اقتصادی چین در آفریقا است. علاوه‌بر این، بدهی ۱۳.۷ میلیارد دلاری اتیوپی به وام‌دهندگان چینی، جایگاه این کشور را در محاسبات چینی‌ها ارتقا می‌دهد. هواداران تیگرای به این اهرم اقتصادی به‌عنوان شاهد دیگری بر عدم صلاحیت چین برای میانجیگری اشاره می‌کنند (Fiala, 202: 66).

چین در این منازعات رویکردی عمدتاً اقتصادی و غیرایدئولوژیک اتخاذ کرده است که در چارچوب نئو-امپریالیسم مدرن، به‌عنوان یک قدرت اقتصادی در حال ظهور تلقی می‌شود. از دیدگاه نئو-امپریالیسم، چین در آفریقا به دنبال تضمین دسترسی بلندمدت به منابع و بازارهای مصرف است، اما ابزارهای اعمال نفوذ آن با غرب متفاوت است، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری و سرمایه‌گذار در هر دو کشور سودان و اتیوپی است. سرمایه‌گذاری‌های عظیم چین در بخش نفت و گاز سودان، به‌ویژه در حوزه‌هایی که توسط

1. http://davidshinn.blogspot.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

غرب به دلیل مسائل حقوق بشری و دموکراسی تحریم شده بودند، موقعیت آن را تثبیت کرد. این وابستگی اقتصادی، سودان را در برابر فشارهای سیاسی غرب آسیب‌پذیرتر و در عین حال، تا حدی به چین وابسته می‌سازد. چین بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی پروژه‌های زیرساختی بزرگ اتیوپی (از جمله خطوط راه‌آهن و انرژی) است. این وابستگی مالی، اهرم نفوذ عظیمی برای پکن فراهم می‌کند.

در سطح منطقه‌ای، نقش چین بیشتر به‌عنوان یک تعدیل‌کننده یا ناظر اقتصادی است که از بی‌ثباتی‌های شدید جلوگیری می‌کند تا جریان سرمایه قطع نشود، در حالی که عربستان و امارات مستقیماً از طرف‌های درگیر در جنگ داخلی حمایت می‌کنند، چین تمایلی به ورود به این نبرد نیابتی ندارد. منافع اصلی چین در سودان، تداوم تولید نفت برای تأمین انرژی خود و امنیت سرمایه‌گذاری‌های موجود است. بنابراین، چین در سطح دیپلماتیک، هر دو طرف را به خویشتن‌داری دعوت می‌کند تا منافع اقتصادی‌اش به خطر نیفتد. این موضع، در تضاد با مداخله مستقیم قدرت‌های منطقه‌ای است. چین از نظر ژئوپلیتیکی، از ثبات دولت مرکزی اتیوپی حمایت می‌کند، زیرا دولت فعلی، شریک اصلی در پروژه‌های اقتصادی چند میلیارد دلاری (مانند ابتکار کمربند و جاده) است. هرگونه بی‌ثباتی داخلی شدید در اتیوپی، که ثبات منطقه شاخ آفریقا را به خطر اندازد، منافع چین را تهدید می‌کند. نقش چین در اختلافات اتیوپی و سودان، یک نقش اقتصادی مبتنی بر منافع متقابل است که در چارچوب نئو-امپریالیسم مدرن (از طریق سرمایه‌گذاری زیرساختی و تجاری) اعمال می‌شود.

چین از طریق اعطای وام‌های کلان و سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی، وابستگی ساختاری هر دو کشور را افزایش داده است. چین تمایلی به تشدید اختلافات ندارد، زیرا این امر جریان اقتصادی را مختل می‌کند. دیپلماسی پکن بیشتر بر حفظ شرایط عملیاتی برای تجارت و سرمایه‌گذاری متمرکز است تا اعمال فشار سیاسی در جهت دموکراسی یا حل و فصل کامل منازعات منطقه‌ای.به این ترتیب، چین به‌عنوان یک مرکز اقتصادی جدید با ابزارهای متفاوت از قدرت‌های قدیمی، بر ساختار منطقه تأثیر می‌گذارد و در عین حال، با دکترین عدم مداخله، امکان ادامه یافتن برخی از درگیری‌ها را، مادام که منافع بلندمدت اقتصادی‌اش حفظ شود، فراهم می‌آورد رویکرد چین در شاخ آفریقا با معیارهای نئوامپریالیسم مطابقت دارد: استفاده از قدرت اقتصادی برای اعمال نفوذ غیر مستقیم، به‌جای استفاده از ابزارهای نظامی یا ایدئولوژیک آشکار.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

جدول ۶. روش تحقق اهداف چین در منطقه

روش تحقق هدف	توضیح در زمینه شاخ آفریقا	چارچوب نظری
تزریق سرمایه بدون قید و شرط	چین پروژه‌هایی را تأمین مالی می‌کند که غرب به دلیل نگرانی‌های حقوق بشری از آن‌ها دوری می‌کند (مانند سد GERD). این تزریق پول، وابستگی متقابل ایجاد می‌کند.	نئوامپریالیسم اقتصادی
دکترین عدم مداخله	چین علناً از اصل عدم مداخله در امور داخلی حمایت می‌کند. این امر به دولت‌های حاکم (مانند اتیوپی و سودان) امکان می‌دهد که بدون نگرانی از واکنش غرب، سیاست‌های داخلی خود را پیش ببرند.	واقع‌گرایی ساختاری
ایجاد سازوکارهای امنیتی دوجانبه	ایجاد «مکانیسم حفاظت امنیتی» با اتیوپی (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که چین برای حفاظت از پرسنل و دارایی‌های خود، آماده است تا فراتر از همکاری اقتصادی عمل کند.	حفاظت از سرمایه

سیاست چین در شاخ آفریقا یک استراتژی پراگماتیک (عمل‌گرا) و اقتصادی است که هدف آن مهار ریسک‌های سرمایه‌گذاری‌های عظیم BRI و تضعیف نفوذ غرب از طریق فراهم آوردن یک جایگزین توسعه‌ای بدون پیش‌شرط‌های دموکراتیک است؛ این رویکرد کاملاً با تعریف نئوامپریالیسم سازگار است.

روسیه

موقعیت جغرافیایی سودان برای منافع امنیتی روسیه در منطقه از اهمیت استراتژیک برخوردار است (Torshin, 2022) در حالی که منابع طبیعی غنی و پتانسیل کشاورزی این کشور فرصت‌های استخراجی را برای صنعت روسیه فراهم می‌کند. روسیه برای محافظت از منافع خود در قاره آفریقا، به دنبال افزایش حضور خود در سودان، ایجاد پایگاه نظامی روسیه در دریای سرخ و استخراج هرچه بیشتر طلای سودان است. مشارکت روسیه در سودان از دهه ۱۹۶۰ افزایش‌یافته است، و در دهه ۱۹۷۰ در دوران حکومت رئیس‌جمهور سابق جعفر نمیری (۱۹۷۱-۱۹۸۵)، زمانی که مسکو از یک کودتای نظامی نافرجام علیه رژیم نمیری حمایت کرد، وقفه‌ای در آن ایجاد شد. روابط بین دو کشور در دهه ۱۹۹۰ از سر گرفته شد و در دوران رژیم البشیر (۱۹۸۹-۲۰۱۹) با تبادل فراوان سفرهای دیپلماتیک و امضای توافق‌نامه‌های دوجانبه در زمینه‌های مختلف، از جمله توافق‌نامه‌های کلیدی همکاری نظامی که بین خارطوم و مسکو در سال ۲۰۲۰ امضا شد، تقویت شد. از سال ۲۰۱۲، دو کشور در مورد حمایت روسیه از احیای ارتش سودان مذاکراتی داشته‌اند (Ataman, 2023: 90). علاوه‌بر این، روسیه به‌طور مداوم از دولت سودان در مجامع بین‌المللی حمایت کرده است. در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۶، روسیه تصویب کیفرخواست علیه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

البشیر توسط دادگاه بین‌المللی کیفری به جرم جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی در دارفور از سال ۲۰۰۵ را رد و پس گرفت.

روابط خارطوم و مسکو در سال ۲۰۱۷ به اوج خود رسید، زمانی که رئیس‌جمهور سابق البشیر از روسیه بازدید کرد و از پوتین درخواست حمایت در برابر خصومت ایالات‌متحده را کرد و در عوض پیشنهاد داد که سودان را به دروازه روسیه به آفریقا تبدیل کند. سفر البشیر به مسکو با میانجیگری و محافظت یوگن پریگوژین، رهبر گروه واگنر، انجام شد.

پریگوژین پیش از این در سایر کشورهای آفریقایی فعال بوده و رئیس‌جمهور پوتین را متقاعد کرده بود که پس از رد درخواست‌های قبلی خارطوم برای ملاقات، سرانجام با البشیر ملاقات کند. در عوض، البشیر به گروه واگنر امتیازی استثنایی داد: حقوق معدنکاری در سودان و اجازه فرود و پرواز هواپیماهای آن‌ها در این کشور بدون نظارت و بازرسی مقامات سودانی – امتیازی که وقتی فعالیت‌های این گروه به استخراج طلا گسترش یافت، بسیار مفید واقع شد. در هفته‌های پس از سفر البشیر به مسکو، نیروهای گروه واگنر برای توسعه بخش معدن وارد سودان شدند. به‌موازات آن، روسیه در مجامع بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، حامی قوی سودان بوده است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، در سال ۲۰۱۷ مقامات روسی طرف دولت سودان را گرفتند و برای کاهش تدریجی عملیات ترکیبی مشترک اتحادیه آفریقا در دارفور – یک نیروی حافظ صلح که در دارفور فعالیت می‌کند – و جایگزینی آن با نیروهای سودانی تلاش کردند.

در سال ۲۰۱۸، تخمین زده شد که تعداد نیروهای واگنر در سودان از حدود ۱۰۰ به ۵۰۰ سرباز افزایش‌یافته است که برای تأمین امنیت شرکت‌ها و سایت‌های معدن طلای روسیه، به‌ویژه در مرزهای بین سودان و جمهوری آفریقای مرکزی، مستقر شده‌اند. با این حال، نقش آن‌ها به‌سرعت به ارائه آموزش نظامی به نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) گسترش یافت.

در سال ۲۰۱۸، گروه واگنر به نیروهای امنیتی سودان، از جمله RSF، در سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات دموکراسی‌خواهانه کمک کرد و به البشیر توصیه کرد که از کمپین‌های رسانه‌ای برای بی‌اعتبار کردن اعتراضاتی که در نهایت منجر به برکناری البشیر از قدرت در آوریل ۲۰۱۹ شد، استفاده کند. پس از برکناری البشیر در سال ۲۰۱۹، روسیه از ژنرال‌های نظامی در برابر غیرنظامیانی که با نفوذ روسیه در سودان مخالف بودند، حمایت کرد ۱۰ و با بخش نظامی دولت انتقالی از جمله ارتش سودان و نیروهای واکنش سریع همسو شد. ژنرال‌های طرف آن‌ها به حمایت سیاسی، اقتصادی و امنیتی روسیه نیاز داشتند

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

که این امر کنترل آن‌ها را تقویت می‌کرد (Al-Shafi, 2023). در نتیجه، روسیه به چین در جلوگیری از تصویب پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که کشتار غیرنظامیان توسط ارتش سودان را محکوم می‌کرد و از جامعه بین‌المللی خواستار پایان فوری خشونت علیه غیرنظامیان در سودان بود، پیوست. معاون نماینده روسیه در سازمان ملل متحد، پیش‌نویس قطعنامه را «بیانیه نامتعادلی» توصیف کرد که می‌تواند اوضاع را بدتر کند، در حالی که وزارت امور خارجه روسیه با دخالت خارجی در سودان مخالفت کرد. منافع اقتصادی روسیه در سودان و جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی آن در آفریقا، همسویی آن با دولت‌های نظامی در سودان را برانگیخت (Walsh, 2023).

روسیه مدت‌ها است که به گسترش نفوذ نظامی خود در منطقه علاقه‌مند بوده است؛ ایده ساخت یک بندر نظامی در دریای سرخ از اوایل سال ۲۰۱۲ مطرح شد. در دسامبر ۲۰۲۰، یک توافقنامه همکاری نظامی بین مسکو و خارطوم برای ایجاد اولین پایگاه نظامی روسیه در آفریقا در بندر سودان در ساحل دریای سرخ امضا شد. این توافقنامه به مدت ۲۵ سال و قابل تمدید برای ۱۰ سال دیگر به روسیه حق استفاده از فرودگاه‌های سودان را برای حمل سلاح، مهمات و تجهیزات موردنیاز برای پشتیبانی از پایگاه، علاوه‌بر اجازه پهلوگیری چهار کشتی و حداکثر ۳۰۰ پرسنل در بندر، اعطا کرد. این مرکز دریایی اولین مرکز دریایی روسیه در آفریقا و دومین مرکز دریایی آن در خارج از اتحاد جماهیر شوروی سابق است. با این حال، در سال ۲۰۲۱، دولت نظامی به دلیل فشار ایالات‌متحده، توقف این توافقنامه را اعلام کرد. بنابراین، به نظر می‌رسد که رهبران نظامی سودان از توافقنامه با روسیه به‌عنوان تاکتیکی برای جلب حمایت غرب استفاده کرده‌اند (Al-Shafi, 2023: 60).

در نهایت باید بیان نمود روابط روسیه (و شوروی سابق) با اتیوپی بسیار عمیق و تاریخی است. این رابطه، یک عامل تثبیت‌کننده برای اتیوپی در مواجهه با فشارهای خارجی محسوب می‌شود، اتیوپی یکی از بزرگ‌ترین مشتریان تسلیحات روسیه در آفریقا است. این وابستگی نظامی، روسیه را به یک حامی قدرتمند برای دولت اتیوپی تبدیل می‌کند، به‌ویژه در برابر انتقادات بین‌المللی ناشی از درگیری‌های داخلی مانند جنگ تیگرای. روسیه معمولاً در شورای امنیت سازمان ملل، به نفع دولت مرکزی اتیوپی رأی می‌دهد یا از تحریم‌ها حمایت نمی‌کند. این امر به اتیوپی اجازه می‌دهد تا در برابر فشارهای غرب (به‌ویژه در مورد سد GERD) مقاومت کند.

روسیه به‌طور رسمی موضعی بی‌طرفانه در مورد سد بزرگ رنسانس اتیوپی دارد، اما با حمایت از اتیوپی به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، به‌طور غیرمستقیم به سودان و مصر فشار می‌آورد تا از موضع سخت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

خود کوتاه بیایند، زیرا می‌داند که اتیوپی در صورت حمایت روسیه، انعطاف‌پذیری کمتری در مذاکرات نشان خواهد داد. روسیه مستقیماً به دنبال ایجاد جنگ بین دو کشور نیست، اما سیاست‌های آن به‌طور طبیعی به افزایش تنش‌ها کمک می‌کند، روسیه با فروش تسلیحات به اتیوپی و حفظ روابط استراتژیک با آن، به دولت ابی احمد اجازه می‌دهد تا در برابر سودان موضع محکم‌تری بگیرد (به‌ویژه در مورد مرز الفشقه و GERD).

با توجه به فروپاشی دولت مرکزی سودان در پی جنگ بین ارتش و نیروهای واکنش سریع نفوذ روسیه می‌تواند از طریق بازیگران غیردولتی یا فروش سلاح به جناح‌های مختلف تسهیل شود. هرج و مرج در سودان، توجه بین‌المللی را از اتیوپی منحرف کرده و به دولت ابی احمد فرصت می‌دهد تا بدون فشار خارجی، منافع خود را پیش ببرد. حضور شرکت‌های امنیتی مرتبط با روسیه در منطقه، گاهی اوقات منجر به حمایت نظامی غیرشفاف از بازیگران محلی می‌شود که این خود به افزایش بی‌ثباتی و درگیری‌های نیابتی کمک می‌کند. نقش روسیه در این اختلافات مستقیم و تحریک‌آمیز نیست، بلکه استراتژیک و تسهیل‌کننده است.

روسیه با تقویت روابط خود با اتیوپی به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تثبیت شده (و دارای دشمن مشترک با غرب)، به‌طور غیرمستقیم باعث تقویت موضع اتیوپی در مقابل سودان (در موضوع سد و مرزها) می‌شود. در عین حال، هرج و مرج در سودان فرصتی برای روسیه فراهم می‌کند تا نفوذ خود را در ساحل دریای سرخ از طریق یک دولت ضعیف‌تر سودانی یا از طریق بازیگران منطقه‌ای دنبال کند. روسیه در آفریقا به‌ندرت از روش‌های دیپلماتیک سنتی برای دستیابی به اهداف امنیتی بزرگ استفاده می‌کند؛ بلکه بر اهرم‌های امنیتی و نیابتی تکیه دارد:

جدول ۷. روش‌های تحقق اهداف روسیه در چارچوب نئوامپریالیسم

روش کلیدی	شرح تاکتیک	ارتباط با نئوامپریالیسم
استفاده از نیروهای نیابتی (واگنر)	اعزام نیروهای امنیتی خصوصی برای آموزش ارتش‌های محلی، سرکوب مخالفان سیاسی، و حفاظت از رهبران همسو.	نئوامپریالیسم امنیتی: واگذاری امتیازات استخراج منابع (طلا) به بازیگران تحت کنترل دولت درازای خدمات امنیتی و سیاسی، بدون تحمل هزینه و ریسک دخالت مستقیم نظامی دولتی.
حمایت از دولت‌های دیکتاتوری	حمایت سیاسی قوی در شورای امنیت سازمان ملل در برابر تحریم‌ها و محکومیت‌های مربوط به نقض حقوق بشر.	حفظ وضعیت موجود: رژیم‌های نظامی تمایل کمتری به پذیرش شرایط گذاری‌های دموکراتیک غرب دارند، که این امر فضای مانور را برای روسیه باز می‌کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

فروش تسلیحات و دیپلماسی تسلیحاتی	تبدیل شدن به تأمین‌کننده اصلی تسلیحات برای دولت‌هایی مانند اتیوپی.	تثبیت وابستگی: تضمین سود اقتصادی بلندمدت و ایجاد وابستگی نظامی که موقعیت روسیه را به‌عنوان یک شریک استراتژیک در محاسبات منطقه‌ای تثبیت می‌کند.

داده‌های زیر، اثبات می‌کنند که منافع روسیه چگونه از طریق روش‌های ذکر شده محقق شده است:

جدول ۸. روش‌های تأمین منافع روسیه در منطقه

حوزه	داده/آمار/شاهد عینی	اهمیت در سیاست روسیه
سودان (طلا و واگنر)	واگذاری حقوق معدنکاری طلا به شرکت‌های مرتبط با واگنر از سوی دولت البشیر درازای حمایت‌های امنیتی.	اثبات مستقیم نئوامپریالیسم منابع‌محور؛ تبدیل خدمات امنیتی به منافع اقتصادی خصوصی روسی.
سودان (پایگاه نظامی)	امضای توافقنامه نظامی در دسامبر ۲۰۲۰ برای ایجاد پایگاه دریایی در بندر سودان (با اجازه استقرار ۳۰۰ پرسنل و ۴ کشتی برای ۲۵ سال).	اثبات هدف ژئوپلیتیک بلندمدت؛ گرچه توافق متوقف شد، تلاش برای دستیابی به آن نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک بندر است.
سودان (حمایت در سازمان ملل)	همراهی روسیه با چین در وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ارتش سودان (پس از ۲۰۲۳)، که قطعنامه‌ها را «بیانیه نامتعادل» خواندند.	اثبات هدف حفاظت از رژیم‌های همسو در برابر فشارهای بین‌المللی، که اصل اساسی در واقع‌گرایی برای تضمین منافع بلندمدت است.
اتیوپی (تسلیحات)	روسیه همواره یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تسلیحات اتیوپی باقی‌مانده است، به‌ویژه در طول جنگ داخلی تیگرای، که به دولت مرکزی در حفظ کنترل کمک کرد.	تضمین منافع استراتژیک از طریق وابستگی نظامی، که مانع از اعمال فشار کامل غرب بر اتیوپی (به‌ویژه در مورد سد GERD) می‌شود.

جدول (۷ و ۸) نشان می‌دهد که روسیه در شاخ آفریقا از یک رویکرد پویا و دوگانه استفاده می‌کند: در بحران‌ها، از طریق واگنر به‌عنوان عامل نئوامپریالیستی امنیتی عمل می‌کند تا به منابع و نفوذ برسد، و در مجامع بین‌المللی، به‌عنوان یک قدرت بزرگ بر اساس واقع‌گرایی ساختاری، از رژیم‌های حامی خود محافظت می‌کند تا در موازنه قدرت جهانی قوی‌تر ظاهر شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نتیجه‌گیری

بررسی بحران‌های ژئوپلیتیکی سودان و اتیوپی نشان می‌دهد که بی‌ثباتی شاخ آفریقا نه حاصل صرف شکاف‌های داخلی یا ناکارآمدی دولت‌ها، بلکه پیامد مستقیم برهم‌کنش منازعات درون‌زا با رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در یک ساختار آنارشیک امنیتی است. این منطقه به‌تدریج به یک عرصه رقابت نیابتی چندلایه تبدیل شده است که در آن بازیگران خارجی، از طریق حمایت نظامی، مالی و دیپلماتیک از نیروهای محلی، توازن قدرت را به نفع منافع ژئوپلیتیکی خود بازتولید می‌کنند.

روسیه با اتکا به ابزارهای امنیتی نیابتی و دیپلماسی حمایتی، در پی تثبیت جایگاه راهبردی خود در دریای سرخ و تضعیف نفوذ غرب است؛ چین با تمرکز بر ثبات اقتصادی و حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های کلان زیرساختی، رویکردی محتاط اما قدرت‌محور را دنبال می‌کند؛ و ایالات‌متحده نیز علی‌رغم گفتمان لیبرال، مداخلات خود را به منافع امنیتی مقطعی محدود ساخته است. در سطح منطقه‌ای، عربستان سعودی و امارات متحده عربی با منطق واقع‌گرایی منطقه‌ای، بحران سودان را به ابزاری برای مهار رقبای ژئوپلیتیکی و تأمین امنیت پیرامونی خود تبدیل کرده‌اند و هم‌زمان از منازعه سد النهضه برای اثرگذاری بر توازن قدرت آبی در حوضه نیل بهره می‌برند. برآیند این کنش‌ها، شکل‌گیری یک چرخه بازتولید بی‌ثباتی ساختاری است که در آن هرگونه تلاش برای صلح داخلی یا همکاری منطقه‌ای توسط منافع قدرت‌های مداخله‌گر خنثی می‌شود. بنابراین، تا زمانی که چارچوبی امنیتی ـ منطقه‌ای مبتنی بر مهار مداخلات خارجی، تنظیم منافع بازیگران بزرگ و مدیریت مشترک منابع حیاتی شکل نگیرد، شاخ آفریقا در وضعیت «ناپایداری ژئوپلیتیکی مزمن» باقی خواهد ماند و بحران‌های سودان و اتیوپی نه‌تنها حل نخواهند شد، بلکه به‌صورت دوره‌ای بازتولید و تعمیق خواهند شد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منابع

سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۱). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری، چاپ سوم، تهران: سمت.

References

Abd Al-Shafi, E. (2023). Sudan The Russian Base and the Limits of the Military Maneuver. February 19. Accessed March 16, 2023. https://www.aljazeeramubasher.net/opinions/2023/2/19/)

Adugna, F., Deshingkar, P., & Atnafu, A. (2021). Human smuggling from Wollo, Ethiopia to Saudi Arabia: Askoblay criminals or enablers of dreams? Public Anthropologist, 3(1), 32–55.

Ali, I. M. (2022). The Russian Wagner and the Gold of Sudan a Mining Concession or plundering. June 10. Accessed March 20, 2023.

Ataman, M. (2023). Sudanese crisis: A new front of 'preventive proxy war.' May 3. Accessed September 20, 2023. https://www.setav.org/en/

Barrow, C. W. (2009). Globalization and neo-colonialism. African and Black Diaspora: An International Journal, 2(1), 51–70.

Baylis, S., Smith, S., & Owens, P. (2013). The Globalization of Politics: International Relations in the New Age (Historical Backgrounds, Theories, Structures and Processes) (A. Rah-e Chamani et al., Trans.). Tehran: Abrar Moaser.

Brown, C. (2009). Structural realism, classical realism and human nature. International Relations, 23(2).

D'Agoôt, M. (2023). How the rise of the rapid support forces sparked Sudan's meteoric descent. Middle East Policy, 30(3).

Escobar, A. (2011). Encountering development: The making and unmaking of the Third World (Vol. 1). Princeton University Press.

Federal Democratic Republic of Ethiopia (2002) outlines the country's foreign affairs and national security strategy.

Fiala, L. (2022, June 22). China's Uphill Battle Fostering Stability in the Horn of Africa. Zh□nggu□ Sh□kè

Foreign Affairs and National Security Policy and Strategy of the Federal Democratic Republic of Ethiopia, 2002: 57-59

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

Gramer, R. (2020, August 27). U.S. Halts Some Foreign Assistance Funding to Ethiopia Over Dam Dispute with Egypt, Sudan. Foreign Policy. https://foreignpolicy.com/2020/08/27/trump-africa-gerd-dam-us-halts-foreign-assistance-funding-ethiopia-over-dam-dispute-egypt-sudan/

https://data.worldbank.org/

https://www.theafricareport.com/57957/ethiopia-understanding-oromias-mayhem-after-hachalus-murder/

Kuo, S. C. Y. (2020, January 27). China's Approach to Peace in Africa is Different. How and Why. The Conversation.

Liyew, D. M. (2025). The Evolving Presence of the United Arab Emirates in Ethiopia: Security Implications. Insight on Africa, 09750878251352089.

Magdy, S. (2020, August 25). Pompeo in Sudan Visit Pushes Normalizing Ties With Israel. Associated Press. https://apnews.com/article/middle-east-africa-us-news-international-news-e0de581f7e2b714eedbf77e1298c165d

Obamamoye, B. F. (2023). Beyond neo-imperialist intentionality: explaining African agency in liberal peace interventions. Third World Quarterly, 44(7), 1380–1397.

Olander, E. (2021, July 30). China's Role in Re-Energizing the South Sudan Peace Process. The China in Africa Podcast, China Global South Project.

□steb□, T. (2022). Ethiopia and Saudi Arabia. In Wahhabism and the World: Understanding Saudi Arabia's Global Influence on Islam (pp. 221).

Sany, J., & Sheehy, T. P. (2022, January 19). Despite High Stakes in Ethiopia, China Sits on the Sidelines of Peace Efforts. United States Institute of Peace.

Sk□adanowski, M. (2025). The notion of "brotherly people" in the service of Russian neo-imperialism: The image of Ukraine and Ukrainians in Russian strategic documents and security debate after 2014. In Fraternity as an Overlooked Element in Global Politics (pp. 174–188). Routledge.

Spanier, J. (1987). Games Nations Play (6th ed.). CQ Press (A Division of Congressional Quarterly Inc.).

Stamb□l, E. M., & Berger, T. (2023). Transnationally entangled (in)securities: The UAE, Turkey, and the Saharan political economy of danger. Security Dialogue, 54(5), 493–514.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

Sudan War Monitor. (2023, December 20). Fall of Wad Madani fuels criticism of army. https://sudanwarmonitor.com/p/fall-of-wad-madani-fuels-criticism

Sun, Y. (2020, May 13). Chinese Campaigns for Political Influence in Africa. Stimson Center.

Tilwani, S. A., & Hassan, A. (2024). Subversion of Neo-Imperialist Hegemony: A Postcolonial Study of Red Birds by Mohammed Hanif. Studies in English Language and Education, 11(1), 605–623. 605-623.

Torshin, M. (2022, July 3). Aljazeera Studies Center. Accessed March 20, 2023. https://studies.aljazeera.net/ar/article/5409?

Vakil, A. S. et al. (2010). A Review of Philosophical Schools of International Law. Mizan Publishing.

Walsh, D. (2022, June 5). 'From Russia With Love': A Putin Ally Mines Gold and Plays Favorites in Sudan. The New York Times. https://www.nytimes.com/2022/06/05/world/africa/wagner-russia-sudan-gold-putin.html

Wong, K. C. (2021). The Rise of China's Developmental Peace: Can an Economic Approach to Peacebuilding Create Sustainable Peace? Global Society, 35(4).

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۴۰۵

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

رسولی، مجید؛ بینائیان، اباذر (۱۴۰۴)، «شاخ آفریقا؛ میدان نبرد خاموش، بررسی نقش قدرت های منطقه‌ای و بین‌المللی در بحران‌های ژئوپلیتیکی اتیوپی و سودان» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۵، ش۴، زمستان ۱۴۰۴، صص ۱۲۲-۹۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]